

تاکنون گفتیم:

بنابر نظر امتناعی ها و اجتماعی ها در صورت های غیر از صورت دوم (فعل حرام مورد اضطرار است و در عین حال مصداق عمل واجب است و واجب هم مندوحه ندارد. و اضطرار هم حاصل سوء اختیار است)، حکم مسئله چه خواهد بود. اکنون مرحوم آخوند به بررسی حکم فرض صورت دوم اشاره می کنند:

قبل از بیان سخن مرحوم آخوند لازم است توجه کنیم که می توان گفت که: «خروج از دار مغضوبه» مقدمه ترک حرام است و لذا مصداق واجب گیری است، و می توان گفت که این خروج، مصداق واجب نفسی (تخلّص از غضب) است. (ولی در هر دو صورت، همین فعل حرام، مصداق واجب است)

همچنان که مرحوم آخوند خود از زاویه دیگری در پاورقی کفایه، در این مثال اشکال کرده اند و گفته اند، «خروج از دار مغضوبه» (مقدمه ترک حرام) نیست بلکه مقدمه «کون فی خارج الدار» است. البته بین «ترک دار غضبی» و «بودن در بیرون غضب» ملازمه است و لذا می توان گفت «کون فی خارج الدار» دارای وجوب مجازی (عرضی) است و در نتیجه «خروج از دار مغضوبه»، دارای وجوب مقدمی عرضی است.<sup>۱</sup>

### سخن آخوند درباره قسم اول:

(درباره صورتی که ۱) نسبت به فعل حرام مضطر هستیم، ۲) فعل حرام مصداق یک عمل واجب است، ۳) عمل واجب مندوحه ندارد ۴) اضطرار حاصل سوء اختیار است)

«وإنما الإشكال فيما إذا كان ما اضطر إليه بسوء اختياره ، مما ينحصر به التخلص عن محذور الحرام ، كالخروج عن الدار المغضوبه فيما إذا توسطها بالاختيار في كونه منهياً عنه ، أو مأموراً به ، مع جریان حكم المعصية عليه ، أو بدونه ، فيه أقوال ، هذا على الامتناع .  
وأما على القول بالجواز ، فعن أبي هاشم إنّه مأمور به ومنهيه عنه ، واختاره الفاضل القمي ،  
ناسبا له إلى أكثر المتأخرين وظاهر الفقهاء.»<sup>۲</sup>

توضیح:

<sup>۱</sup> . لا يخفى إنّه لا توقف ها هنا حقيقة ، بدها أن الخروج إنّما هو مقدّمه للكون في خارج الدار ، لا مقدّمه لترك الكون فيها الواجب ، لكونه ترك الحرام ، نعم بينهما ملازمه لأجل التضاد بين الكونين ، ووضوح الملازمه بين وجود الشيء وعدم ضده ، فيجب الكون في خارج الدار عرضاً ، لوجوب ملازمه حقيقة ، فيجب مقدمته كذلك ، وهذا هو الوجه في المماشاة والجرى على أن مثل الخروج يكون مقدّمه لما هو الواجب من ترك الحرام ، فافهم. [كفایه الاصول، ص ۱۶۸]

<sup>۲</sup> . كفایه الاصول، ص ۱۶۸



۱. [فی کونه ... :] اشکال در این است که آیا:
۲. یک) خروج فقط منهی عنه است (چرا که اضطرار به سوء اختیار بوده است و چنین اضطراری مانع نهی نمی‌شود
۳. دو) خروج فقط مأمور به است. ولی مکلف به سبب خروج عقاب می‌شود (الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار عقاباً، لا خطاباً)
۴. سه) خروج فقط مأمور به است و مکلف به سبب خروج عقاب هم نمی‌شود
۵. [دقت کنیم که سخن درباره عقاب مترتب بر خروج است و نه عقاب مترتب بر وقوع در غضب. و عقاب مترتب بر وقوع در غضب محل هیچ اشکالی نیست]
۶. این سه قول بر مبنای قائلین به امتناع است که یا به وجود امر قائل هستند و یا به وجود نهی.
۷. چهار) خروج هم واجب و مأمور به است به عنوان مقدمه خلاصی از حرام اول (وقوع در غضب) و هم حرام و منهی عنه است و به عنوان غضب (حرام دوم)
۸. این قول از ابوهاشم جبایی است و میرزای قمی هم این قول را به اکثر متأخرین و ظاهر فقها نسبت داده است

